

فرآیند تضعیف در زبان فارسی

دکتر عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا

استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

هدف از نگارش این مقاله، بررسی آرایش خوشه‌های همخوانی در پایانه هجای زبان فارسی است. نگارنده ضمن بررسی داده‌های زبان فارسی دریافت که نوع واکه هسته هجا در گزینش خوشه پایانه نقش دارد.

روش تحقیق در این مقاله، به این صورت بوده است که بلندترین هجای موجود در زبان فارسی یعنی CVCC انتخاب شده است. در ابتدا کلیه کلماتی که دارای چنین ساخت هجایی هستند، اعم از کلمات یک یا دو یا سه هجایی، از فرهنگ‌ها و منابع مورد نظر انتخاب شدند، سپس تقدم و تأخر همخوان‌ها در خوشه همخوانی پایانه مورد بررسی قرار گرفت.

در کلمات بیش از یک هجا این نوع ساخت هجایی CVCC همیشه در جایگاه پایانی کلمه یا تکواژ در زبان فارسی مشاهده شد و هرگز در میان یا ابتدای یک تکواژ دیده نشد. آنچه در این مقاله تحقیقی مدنظر بوده است واج‌آرایی هجای CVCC به لحاظ آرایش واکه هسته و همخوان‌های پایانه بوده است.



۱- ارائه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت داده‌هایی از زبان فارسی ارائه می‌شود که هر کدام قبلاً به منظور خاصی طبقه‌بندی شده‌اند. این طبقه‌بندی بر مبنای واکه هسته‌ها صورت گرفته است. هرگاه در هسته‌های CVCC یکی از واکه‌های [u, i, ā] وجود داشته باشد، آرایش همخوان‌های پایانه متفاوت با نوع هجایی است که در آن «هسته» یکی از واکه‌های [o, e, a] باشد. حال به بررسی تک‌تک موارد می‌پردازیم.

-۱-۱

(الف)

<u>Cucc</u>		<u>Cicc</u>		<u>Cacc</u>	
gušt	گوشت	bist	بیست	rāst	راست
pust	پوست	rixt	ریخت	sāxt	ساخت
suxt	سوخت	zist	زیست	bāxt	باخت
?anduxt	اندوخت	?ist	ایست	?andāxt	انداخت

(ب)

<u>Cocc</u>		<u>Cecc</u>		<u>Cacc</u>	
pošt	پشت	hefz	حفظ	časb	چسب
qotb	قطب	xešt	خشت	?asb	اسب
boqz	بُغض	behešt	بهشت	nasb	نصب
boht	بهت	serešt	سرشت	jazb	جذب
?oft	افت	ferest	فرست	lafz	لفظ
noxost	نخست	gereft	گرفت	naqz	نقض
?angošt	انگشت	nevešt	نوشت	?axz	اخذ
		seqt	سقط	dast	دست

در این قسمت داده‌هایی انتخاب شده‌اند که دو عضو خوشه پایانه هر دو دارای مشخصه [obstruent] باشند. آنگاه نوع آنها با هر یک از واکه‌های شش‌گانه زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفت. چنانچه مقایسه داده‌های (الف) و (ب) نشان می‌دهد بعد از واکه‌های [u, i, ā]

همخوان‌های «گرفته» موجود در خوشه پایانه در مشخصه [-واک] مشترک هستند و کلمه یا تکواژی در فرهنگ‌ها یافت نشد که هر دو همخوان گرفته باشند اما در مشخصه [واک] متفاوت باشند. داده‌های موجود در قسمت (ب) دارای این محدودیت به لحاظ مشخصه [واک] نیستند. به عبارت دیگر، همخوان‌های گرفته در خوشه پایانه بعد از واکه‌های [o, e, a] می‌توانند در مشخصه [واک] مثبت یا منفی باشند و لزوماً هم‌علامت نیستند.

۱-۲- در هجای CVCC اگر هسته یکی از واکه‌های [u, i, ā] باشد، در خوشه پایانه هرگز همخوان‌های چاکنایی [ʔ, h] انتخاب نمی‌شود، اما وقتی در هسته یکی از واکه‌های [o, e, a] قرار دارد، امکان به‌کار رفتن همخوان‌های چاکنایی در خوشه پایانی وجود دارد.

(الف)

o		e		a	
boht	بَهِت	sepehr	سِپَهر	taʔm	طَعم
roʔb	رُعب	sehr	سَحر	laʔn	لَعن
boʔd	بُعد	mehr	مَهر	šamʔ	شَمع
mohr	مُهر	šeʔr	شَعر	šahr	شَهر
zohr	ظَهر	feʔL	فَعل	qahr	قَهر
zohd	زَهد	zahn	زَهن	nahi	نَهی
				naʔL	نَعل

۱-۳- هرگاه در هجای CVCC در هسته یکی از واکه‌های [u, i, a] قرار داشته باشد، یک همخوان خیشومی به‌عنوان عضو دوم پایانه هجا انتخاب نمی‌شود. اما بعد از واکه‌های [o, e, a] در خوشه همخوانی پایانه همخوان خیشومی هم به‌عنوان عضو اول خوشه و هم به‌عنوان عضو دوم خوشه همخوانی انتخاب می‌شود.



(الف)

<u>Cucc</u>		<u>Cicc</u>		<u>Cācc</u>	
-		-		xānd	خواند
-		-		rānd	راند
-		-		band	باند
-		-		nešānd	نشانند
-		-		bāng	بانگ
-		-		dāng	دانگ
				xorānd	خوراند

(ب)

<u>Cocc</u>		<u>Cecc</u>		<u>Cacc</u>	
hozn	خُزن	Jesm	جِسم	Jašn	جشن
rokn	رکن	berenj	بِرَنج	xašm	خشم
hosn	حُسن	?ezn	اِذِن	hamL	حمل
?ons	انس	beyn	بِین	ramz	رمز
tond	تند	hend	هند	čašm	چشم
konJ	کُنَج	kerm	کِرم	ta?n	طعن
šoxm	شخم	telesm	طلسم	Jang	جنگ
Jorm	جُرم	?esm	اسم	ganJ	گنج
Toxm	تخم			vazn	وزن
				Pahn	پهن
				qam	قرن

بررسی داده‌های فوق نشان داد که از بین واژه‌های [u, I, ā] فقط بعد از واژه [ā] همخوان خشیومی [n] به‌عنوان عضو اول خوشه پایانه در واژگان زبان فارسی به‌کار می‌رود. این نوع داده‌ها نیز معمولاً ترکیبی از دو تکواژ هستند، به‌جز در دو تکواژ «بانگ» و «دانگ» سایر واژه‌ها بیش از یک تکواژ محسوب می‌شود.

همخوان خشیومی دیگر، یعنی [m] در خوشه همخوانی بعد از واکه‌های [u, i, ā] نه به‌عنوان عضو اول و نه عضو دوم یافت نشد، به‌جز در واژه‌های قرضی یا وارد شده به زبان فارسی از جمله «آسم»، «فاشیسم»، «نازیسم»، «رنایسیم» و غیره.

بررسی داده‌ها در قسمت (ب) (۲-۳) نشان می‌دهد که همخوان‌های خشیومی در هجای cvcc وقتی واکه هسته [o, e, a] باشد، هم به‌عنوان عضو اول و هم به‌عنوان عضو دوم خوشه پایانه انتخاب می‌شوند.

۱-۴- بعد از واکه‌های [u, i, ā] در خوشه همخوانی هجای cvcc غلت‌های [w, y] به‌کار نمی‌رود. اما در خوشه همخوانی بعد از واکه‌های [o, e, a] دیده می‌شود.

<u>Cocc</u>		<u>Cecc</u>		<u>Cacc</u>	
Jowr	جور	seyl	سیل	sa?y	سعی
mowz	موز	meyl	میل	ra?y	رای
ferdows	فردوس	peyk	پیک	nahy	نهی
mowJ	موج	deym	دیم	vahy	وحی
?owJ	اوج	xeyr	خیر	mašy	مشی
sowt	صوت	keyk	کیک (حشره)		

بررسی داده‌های فوق نشان می‌دهد که غلت /y/ به‌عنوان عضو دوم خوشه همخوانی بعد از واکه /a/ به‌عنوان عضو اول خوشه همخوانی بعد از واکه [e] به‌کار می‌رود، واکه [e] در چنین بافتی دارای صورت زیرساختی /a/ است که در اثر مجاورت با غلتِ افراشته /y/ ارتقاء (raising) یافته و مشخصه [+ افتاده] واکه /a/ به [- افتاده] یا میانی تغییر یافته است. شواهد تاریخی نیز این موضوع را نشان می‌دهد.

مثلاً کلمات «پیک» و «کیک (حشره)» در فرهنگ مکنزی^۱ به‌ترتیب به‌صورت [payg] و [kayk] نوشته شده است. در فارسی تاجیکستان هنوز صورت‌های اصلی به‌کار می‌رود. به‌طور



مثال کلماتی مانند «کیف (حظ)» و «بیغمبر» به ترتیب به صورت [kayf] و [payyam-bar] تلفظ می‌شوند.^۲

واکه /a/ در کلمات عربی دخیل در زبان فارسی نیز تحت تأثیر قاعده ارتقاء واکه به [e] تبدیل شده است. مانند «میل» و «سیل».

غلت [w] نیز فقط بعد از واکه [o] در واژگان زبان فارسی مشاهده می‌شود. این بافت نیز دارای صورت زیرساختی است که در آن واکه افتاده /a/ تحت تأثیر غلت /w/ به واکه پسین و میانی [o] تبدیل شده است.

غلت‌های [w, y] در خوشه‌های همخوانی بعد از واکه‌های [u, i, ā] در زبان فارسی دیده نشد. وجود کلماتی مانند «سایت» [sāyt] و «بایت» [bāyt]، قرضی بودن کلمات را نشان می‌دهد که از انگلیسی وارد زبان فارسی شده‌اند.

۲-۵- بعد از واکه‌های [u, i, ā] در خوشه همخوانی، عضو دوم از همخوان‌های «روان» (Liquid) [L, r] انتخاب نمی‌شوند، اما بعد از واکه‌های [o, e, a] هم به‌عنوان عضو اول و هم عضو دوم خوشه همخوانی به‌کار می‌روند.

(الف)

Cucc		Cicc		Cācc	
qurt	قورت	-		kārd	کارد
				?ārd	آرد
				pārs	پارس
				pārč	پارچ
				xārk	خارک
				qārč	قارچ
				fārs	فارس

(ب)

<u>Coc</u>		<u>Cec</u>		<u>Cacc</u>	
qotr	قُطر	sedr	سِدر	badr	بدر
noqL	نُقل	fetr	فِطر	satL	سطل
qofL	قُفل	kebr	کِبر	fasL	فصل
šoql	شغل	šekL	شکل	Jazr	جزر
?omr	عمر	tefL	طفل	naxL	نخل
šokr	شکر	kerm	کِرم	qadr	قدر
zohr	ظهر	sepehr	سِپهر	qabL	قبل
bord	بُرد	pelK	پلک	fard	فرد
moLk	مُلک	JeLd	جلد	baLx	بلخ

چنان‌که داده‌های فوق نشان می‌دهد، از همخوان‌های روان /r/ و /L/ فقط همخوان /r/ بعد از واکه‌های [u, i, ā] به‌عنوان عضو اول خوشه همخوانی انتخاب شده است و به‌عنوان عضو دوم خوشه همخوانی هیچ‌کدام از روان‌های /L/ و /r/ بعد از واکه‌های [i, u, ā] در واژگان زبان فارسی یافت نشد. این همخوان‌ها در بعضی از کلمات قرضی مانند «لیتر» [Litʁ]، «کادر» [kādr]، «دوبل» [dubL] و «کابل» [kābL] به‌عنوان عضو دوم خوشه همخوانی به‌کار می‌رود که در زبان اصلی یعنی زبان انگلیسی همه این واژگان دارای دو هجا هستند و در زبان فارسی به‌صورت یک هجا تولید می‌شوند.

۲- نتایج

۱-۲ از بین بیست و سه همخوان موجود در زبان فارسی حدود دوازده همخوان در خوشه پایانه بعد از واکه‌های [u, i, ā] دیده می‌شود که از بین آنها شش همخوان /f, s, n, r, š, x/ به‌عنوان عضو اول و هفت همخوان گرفته /d, t, s, z, k, q, č/ به‌عنوان عضو دوم انتخاب می‌شوند. با توجه به این همخوان‌های گرفته دارای مشخصه [-رسا] و همخوان‌های ناسوده [+رسا] هستند، قاعده سلسله مراتب رسایی در خوشه همخوانی پایانه در هجا‌هایی که هسته آن یکی از واکه‌های



[u, i, ā] است رعایت می‌شود. به طوری که درجهٔ رسایی از هسته به سمت دامنه رو به کاهش می‌نهد.

در هجاهایی با هستهٔ /o, e, a/ به جز دو همخوان (پ) /p/ و (ژ) /ʒ/ سایر همخوان‌های زبان فارسی در خوشهٔ پایانه انتخاب می‌شوند. همخوان‌های [+رسا] از جمله «خیشومی‌ها، غلت‌ها و روان‌ها» هم به عنوان عضو اول و هم به عنوان عضو دوم پایانه می‌توانند بعد از همخوان‌های گرفته به کار می‌روند. از این رو بعد از واکه‌های /o, e, a/ در هسته، اصل سلسله مراتب رسایی در هجای CVCC رعایت نمی‌شود.

۲-۲- هرگاه در خوشهٔ همخوانی بعد از واکه‌های [u, i, ā] دو همخوان [-رسا] با هم انتخاب شوند، حتماً در مشخصهٔ [-واک] مشترک خواهند بود. این قاعده در مورد خوشهٔ پایانه با هستهٔ /o, e, a/ صدق نمی‌کند.

۲-۳- انتخاب همخوان‌های چاکنایی در خوشهٔ پایانه با هستهٔ /o, e, a/ و عدم این انتخاب در خوشهٔ پایانه با هستهٔ /u, i, a/ یکی دیگر از دلایلی است که واکه‌های زبان فارسی به دو گروه تقسیم می‌شوند.

۲-۴- غلت [w] از بین شش واکهٔ زبان فارسی فقط بعد از واکهٔ /o/ آن هم به عنوان عضو اول خوشهٔ پایانه دیده می‌شود. مانند «فردوس» [ferdows] و «قوس» [qows]. این غلت به عنوان عضو دوم خوشه بعد از هیچ نوع واکه‌ای به کار نمی‌رود. این موضوع نشان می‌دهد که کاربرد نیم‌واکهٔ [w] در زبان فارسی بسیار محدود است و توزیع کامل ندارد، زیرا در جایگاه آغاز هجا نیز دیده نمی‌شود. همچنین کاربرد آن در هجای CVC در کلمات «برو» [borrow] و «خسرو» [xosrow] واج‌گونه‌ای از همخوان سایشی و لب و دندانی /v/ به شمار می‌رود. از این رو یک واج مستقل در زبان فارسی محسوب نمی‌شود.

۲-۵- واج‌آرایی ساخت هجای CVCC در زبان فارسی نشان می‌دهد که رابطهٔ همبستگی میان هسته و همخوان‌های خوشهٔ پایانه وجود دارد، در حالی که این رابطه بین هسته و همخوان آغاز دیده نمی‌شود. به این علت که تمام همخوان‌ها می‌توانند در جایگاه آغاز (با هر نوع واکه در هسته) قرار گیرند ولی کاربرد همخوان‌ها با توجه به نوع واکهٔ هسته در خوشهٔ پایانه متفاوت



است. گزینش متفاوت دو گروه واکه‌های /u, i, ā/ و /o, e, a/ در انتخاب خوشه پایانه نشان می‌دهد که واکه‌های زبان فارسی با توجه به واج‌آرایی همجای CVCC دو طبقه طبیعی را تشکیل می‌دهند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مکنزی، دیوید نیل، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه دکتر مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴ و ۲۹۰.
۲. کلباسی، ایران، فارسی ایران و تاجیکستان، یک بررسی مقابله‌ای، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ص ۲۳۹ و ۳۳۳.

منابع

- ثمره، یدالله، آواشناسی زبان فارسی: آواها و ساخت آوایی هجا، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ویرایش دوم، ۱۳۸۱.
- حق‌شناس، علی محمد، آواشناسی (فونتیک)، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۴.
- کامبوزیا، عالیه، ک، ز، واج‌شناسی خود واحد و کاربرد آن در فرآیندهای واجی زبان فارسی، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- کشانی، خسرو، فرهنگ فارسی زانسو، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- کلباسی، ایران، فارسی ایران و تاجیکستان (یک بررسی مقابله‌ای)، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
- مشیری، مهشید، فرهنگ زبان فارسی، تهران، سروش (انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران)، ۱۳۷۱.
- مکنزی، دیوید نیل، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه دکتر مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.
- Kenstowicz, Michael, *Phonology in Generative Grammar*, Cambridge MA & Oxford UK: Blackwell Publishers, 1994.
- Samareh, Yadollah, *A Course in Colloquial Persian*, Tehran: Tehran University Press, 1977.
- Samareh, Yadollah, *The Arrangement of Segmental Phonemes in Farsi*, Tehran: Tehran University Press, 1977.